



## تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی

(با تاکید بر چهار منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز)

مرتضی طالبی<sup>۱</sup>، محمدرضا قاری<sup>۲\*</sup>، محمدعلی داوودآبادی فراهانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران، anzalimorteza1345@gmail.com  
<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران، کشور، mr-ghari@iau\_arack.ac.ir  
<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران، davoodabadi@iau-arak.ac.ir

### چکیده

شعر به عنوان نوعی آفرینش ادبی و هنری، ترکیبی از عناصر مختلف است. خیال‌انگیزی و تصویرسازی از ابعاد مهم شعر محسوب می‌شود. عناصر خیال در شعر نقش مهمی در زیبایی و ماندگاری شعر دارد. در این میان اشعار غنایی از جمله اشعاری هستند که تصویرسازی در آن‌ها به صورت برجسته‌ای قابل مشاهده است. شعر غنایی بازتاب احساسات و عواطف شخصی شاعر است. برخی آثار ادبی چون خمسه نظامی که در دوره صفویه نسخه‌برداری شده‌اند نیز بازتابی از عناصر تصویرسازی و خیال‌انگیزی است. بررسی انعکاس تصویرسازی در اشعار منظومه‌های غنایی با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی می‌تواند روشنگر ارتباط عمیق شعر و نقاشی باشد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی در صدد بررسی صور خیال و تصویرسازی در منظومه‌هایی چون نسرین و فیروز، سلیم و سلمی، نل و دمن، ناز و نیاز است. یافته‌های پژوهش حاکی از حضور عمیق تصویرسازی و خیال‌انگیزی در این منظومه‌هاست. به کارگیری صنعت بلاغی، سبک و نوآوری تصویرسازی در تمامی منظومه‌ها تقریباً به صورت یکسانی است اما سبک تصویرسازی داستان «نل و دمن» در بین راه تغییر جهت داده است. بیشترین ملاک به کار رفته در صورخیال و تصویرسازی این چند منظومه بر محورهای چون هجران، ارتباط و اطلاع‌رسانی، طبقه اجتماعی، جایگاه معشوق، گفتار و مکالمه، وصال، افلاک و عناصر طبیعی می‌باشد. در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی نیز عنصر تخیل و تصویرسازی چون هجران، معشوق، گفتار و عناصر طبیعی به روشنی دیده می‌شود.

### اهداف پژوهش

۱. جایگاه تصویرسازی و خیال‌انگیزی در منظومه‌های سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز.
۲. بررسی تطبیقی عناصر تصویرسازی و خیال‌انگیزی در منظومه غنایی با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی.

### سؤالات پژوهش

۱. تصویرسازی و خیال‌انگیزی چه تأثیری و نقشی در منظومه‌های سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز دارد؟
۲. عناصر تصویرسازی و خیال‌انگیزی در منظومه‌های غنایی چون سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی چه شباهتهایی دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۹

دوره ۱۷

صفحه ۲۲۵ الی ۲۴۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹  
تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵  
تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

تصویرسازی،  
خیال‌انگیزی،  
منظومه‌های غنایی،  
نگاره‌های خمسه شاه  
طهماسبی.

### ارجاع به این مقاله

طالبی، مرتضی، قاری، محمد رضا، داوود  
آبادی فراهانی، محمد علی. (۱۳۹۹). تصویر  
سازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره  
های خمسه شاه طهماسبی (با تاکید بر چهار  
منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل  
و دمن، ناز و نیاز). هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)،  
۲۴۴-۲۲۵.

doi [dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.215234.1139/](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.215234.1139/)

## ۱. مقدمه

ادبیات فارسی از همان آغاز با توان ذاتی و غنایی بی نظیر خود توانست در تمامی عرصه های نظم و نثر قالبها و مضامین و موضوعات، صدها اثر پدید آورد. غزل عاشقانه و منظومه های غنایی پیوندی عمیق با هم دارند. منظومه های عاشقانه بسط یافته ی مفاهیم شعر غنایی و تجسم عینی و روایی آن است. ایجاد نگاهی تازه به مقوله ی عشق و ایجاد شور و نشاط در ادب فارسی، همگی بخشی از رهاوردهای منظومه های عاشقانه است. در این میان اشعار غنایی از جمله اشعاری هستند که تصویرسازی در آنها به صورت برجسته ای قابل مشاهده است. شعر غنایی بازتاب احساسات و عواطف شخصی شاعر است. گرچه در ادب فارسی شعر غنایی محدود به قالب خاصی نبوده و می توان رد پای آن را در اکثر قالب های ادبی مشاهده کرد؛ اما با دامنه دار شدن شعر فارسی و مهاجرت آن از ایران به هندوستان و عراق و ... شعر غنایی چه از نظر مضمون و چه از نظر محتوا برگ دیگری از زبان و ادب فارسی را به مخاطبان خود شناساند.

شاعران منظومه های غنایی بنا بر مقتضیات شعر و سبک آن دوران به صورخیال و تصویرسازی توجه وافری داشتند. این شاعران از یک اصول ویژه برای بیان صورخیال استفاده نکرده اند اما هر کدامشان بنا بر معیارهای شعر آن دوره از صورخیال استفاده کرده اند. در این جستار نگارنده بر آن است تا بررسی کند که صورخیال و تصویرسازی و صنعت بلاغی تشبیه و کاربرد آن در اشعار غنایی از معیارهای اصلی شاعران بوده؟ یا هر کدام به مقتضیات و کاربرد واژه های سبک و دوره خود استفاده نموده اند. سپس این شیوه را مورد بررسی قرار دهد و ملاک نقد و بررسی صورخیال و تصویرسازی (صنعت بلاغت تشبیه) بر اساس متداول ترین روش توصیفی - تحلیلی (تطبیقی) است. لذا رویکرد این پژوهش بر این است که با بررسی گذرا بر صنعت بلاغت تشبیه و صورخیال، آراء شاعران درباره صورخیال در شعر غنایی آورده شود و سپس به مقتضای گزیده هایی از اشعار شاعران منظومه های غنایی (نل و دمن، سلیم و سلمی، نسرین و فیروز، ناز و نیاز) را آورده تا با بهره گیری از صورخیال و تصویرسازی، فرایند به کارگیری آن را در منظومه های نام برده، مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر وجوه تشابه این منظومه ها با نگاره های خمسه شاه طهماسبی را بررسی کند.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می دهد که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. اگرچه در زمینه این منظومه های غنایی مقالات و کتاب های زیادی تدوین شده است به عنوان مثال، مصطفوی سبزواری و تقیان، در پژوهشی به بررسی ویژگی های سبکی «نل و دمن» پرداخته اند و درباره خصایص سبکی و نوآوری ادبی فیضی معتقدند که فیضی «نل و دمن» را به تقلید از «لیلی و مجنون» و در همان وزن به درخواست اکبرشاه در سال ۱۳۰۰ و ۴۲۰۰ بیت سروده است. «نل و دمن» ترجمه منظوم آزاد است برگرفته از مهابارات که در داستان عشق بازی «نل و دمن» مضامین دینی و عرفانی، عاشقانه، فلسفی... را گنجانده است (سبزواری و متقیان: ۱۳۹۰). میرزای حسینی به معرفی و ساختار منظومه پرداخته است (میرزای حسینی: ۱۳۸۳). ذاکر الحسینی درباره این منظومه نوشته است: استوار، دلپذیر با طراوت و سرشار از تمثیلها و استعارات و ترکیبات رقیق و تازه و گاه یادآور شیوه نظامی است که پر از معانی و مضامین تازه و خیال انگیز است چندان به تعبیر خود او اسراف معانی کرده است و بر آن است که صاحب

طرزی نو است (ذاکر الحسینی: ۱۳۸۴). شاه‌حسینی درباره بررسی منظومه «سلیم و سلمی» بر آن است آن گونه که از ادبیات آغازین منظومه‌ی سلیم و سلمی و همچنین نصایحی که شاعر در اثنای داستان به خوانندگان بیان می‌کند، بر می‌آید، عامل اصلی که شاعر را برای سرودن این منظومه ترغیب کرده، دلگیری وی از ستم ایام و جور و جفای دهر و مردم زمانه بوده است. به طوری که او در آغاز مثنوی سلیم و سلمی بختش را ناساز و طالعش را در این محنتکده شوم دانسته است (شاه‌حسینی: ۱۳۸۸). ذوالفقاری می‌گوید: وحید قزوینی داستان رمزی «ناز و نیاز» را به خوبی پرورده و چون «حسن و دل» فتاحی نیشابوری توانسته است دقایق داستان‌های عاشقانه را در اثر خود بگنجانند و از عهده پرداخت شخصیت‌های داستانی نیز به خوبی بر آمده است. توصیف‌ها به سنت منظومه‌های عاشقانه طولانی است. غزل‌های درون مثنوی مطابق با منظومه، نامه‌ها و مناظره‌های عشاق در این اثر هم مشهود می‌باشد (ذوالفقاری: ۱۳۹۲). یلمه‌ها در کتاب منظومه غنایی فیروز و نسرین می‌گوید: سبک مثنوی «فیروز و نسرین» قابل تأمل است. بررسی این اثر نشان‌دهنده آن است که شاعر بر دایره واژگانی مسلط است و آن را به شیوه دوره بازگشت ادبی، تحت تأثیر سبک‌های خراسانی و عراقی سروده است؛ از جمله این ویژگی‌ها، کاربرد شکل کهن لغات، کاربرد ترکیبات مهجور، نادر لغات و اصطلاحات و واژه‌های عامیانه و ترکیب‌سازی‌ها می‌باشد (یلیمه‌ها: ۱۳۹۵).

## ۲. تصویرسازی و صورخیال

تصویر (ایماژ) پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی است که از دیرباز در بلاغت صورخیال مطرح بوده است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷). کتاب‌های بلاغی و نقدهای ادب فارسی تصویر را معادل کلمه «ایماژ» آورده‌اند و پیش از آن در آثار ادبی واژه «خیال» در مفاهیم تصویری شعری و صورت‌های خیالی، به کار رفته است. می‌توان گفت تصویر در شعر، پویاترین عنصر، در به بند کشیدن ذهن مخاطب است در پیگیری فضا و زمان و مکان بیشترین دست را در کار دارد؛ چرا که به مدد تصویر است که باریک‌ترین و لطیف‌ترین مضمون‌ها و داستان‌ها همچون رشته‌های خیال در تجربه و فهم مخاطب جانشین می‌شوند. از جایی که آبخور تصویر خیال است و سرچشمه‌های خیال ریشه در محیط و زندگی و پیرامون و جامعه‌ی شاعر دارد، باید پیوند ناگسستنی این دو انگاره را در شعر شاعر جستجو کرد. صور بلاغی به قدری در زبان خود حضور دارد که شیوه تشخیص عملکرد جنبه‌های بلاغی موجب می‌شود تا این صور بتواند هرگونه عبارتی را دست‌خوش تغییر و تحول سازد (ژنت، ۱۹۳۰: ۲۲۴). در آفرینش خیال، اهل بلاغت قدیم گفته‌اند: بیان در لغت به معنی کشف ایضاح و ظهور است به عبارت ساده‌تر: بیان در لغت به معنی پدید آوردن و آشکار و روشن کردن است و در اصطلاح صناعات ادبی و علوم بلاغی فن بیان: الف) این که بتوانیم یک معنی و مقصود را به شکل‌ها و صورت‌های گوناگون به زبان بیاوریم و بنویسیم. ب) در این شکل‌ها و صورت‌ها گاهی دلالت عقلی بر آن معنی، بسیار روشن و آشکار است و گاهی کمتر و همچنین بسیار و کمتر بودن روشنی دلالت عقلی موجب گوناگونی سخن و شکل‌ها می‌شود. بنابراین دلالت عقلی بر معنی مقصود از نظر کمی و بسیاری از وضوح، موجب شیوه‌های گوناگون سخن و شکل‌های خیالی می‌شود (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷). سخنور می‌خواهد به یاری تشبیه، دریافتی روشن و رسا از مانده خویش به خواننده و شنونده بدهد. روشنی و رسایی مانده در گرو روشنی و رسایی مانسته است. اگر مانسته به درستی

برگزیده نشده باشد و در پیوندی که دو سوی تشبیه را به هم می پیوندد، روشن و گویا نباشد، تشبیه به سرانجام نخواهد رسید؛ و ارزش هنری نخواهد داشت؛ زیرا مانده در پرتو مانسته است که می باید، به روشنی، آشکار و باز نموده گردد (کزازی: ۱۳۶۸: ۴۱). تصویرهایی برآمده از خیال و تجربه و عاطفه شاعر است که به یکباره در زنجیره ی کلمات ذهن مخاطب را درگیر خود می کند و او را به هزار توی خیال و ذهن شاعر به سیر می برد. خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه ای عاطفی همراه بوده و ناقدان معاصر از پیوستگی «ایماژ» و عاطفه به تفصیل سخن گفته اند (شفیعی کدکنی: ۱۳۹۱: ۱۷).

### ۳. منظومه های غنایی «نل و دمن»، «فیروز و نسرین»، «ناز و نیاز»، «سلیم و سلمی»

«نل و دمن» منظومه ای است که بر اساس مضمون داستان مشهور «نل دمنت» حماسه «مهابهات» یکی از داستان های کهن هند باستان نوشته شده است. شاعر با رغبت و محبت به مسئله وارد شده، با تخیلات بلند و تصویرهای زنده و حیاتی، ترنم غایت بلند انسانی و مخصوصاً با افکار حکیمانه خود اثر دلپذیری سرشار از تمثیلات و استعارات، پس از مضامین تر و تازه خیال نگیز آفریده است. منظومه «نل و دمن» جزو منظومه های خمسه فیضی دکنی می باشد؛ مثنوی است که در سال ۹۹۳ ق. سرودن آن را آغاز نموده است. فیضی دکنی به دستور اکبرشاه به نظم آن پرداخت و ظرف پنج ماه آن را به اتمام رساند (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۱). منظومه غنایی «فیروز و نسرین»، منظومه ای عاشقانه که میرزا سیدعلی متخلص به نیاز (۱۱۹۷ ه.ق) آن را سروده است که موفق به اتمام آن نشد. شاعر بر دایره واژگان مسلط است و به شیوه بازگشت ادبی تحت تأثیر سبک های خراسانی و عراقی منظومه خود را سروده است و ویژگی های کاربردی این منظومه شکل کهن لغات و کاربرد ترکیبات مهجور و لغات و اصطلاحات عامیانه می باشد (یلمه ها، ۱۳۹۵: مقدمه). منظومه غنایی «ناز و نیاز»، منظومه ای عاشقانه ای که وحید قزوینی آن را سروده است. منظومه ای عاشقانه و تمثیلی با درون مایه عارفانه در شرح دلدادگی ناز و نیاز و دشواری های راه عشق، وصال آن ها و تولد «عشق» شاعر در این اثر تمثیلی دقیق عرفانی را به زبان رمز بیان می کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۵۱). منظومه غنایی «سلیم و سلمی»، منظومه ای عاشقانه در بیان عشق سلیم و سلمی به پیروی از لیلی و مجنون توسط عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون (۱۱۷۶ ه.ق) سروده شده است. عامل اصلی شاعر برای سرودن این منظومه عاشقانه، دلگیری وی از ستم ایام و جور جفای دهر و مردمان زمانه بوده است که در دوره بازگشت ادبی سروده شده است (شاه حسینی، ۱۳۸۸: ۷).

درباره منظومه «نل و دمن» باید گفت: تصویرسازی را باید یکی از ویژگی های بارز و برجسته شعرای سبک هندی دانست. عنصر خیال، رکن اصلی شعر سبک هندی است و جوهره این سبک را خیال های شعری و صناعات مجازی و شگردهای تصویری شکل می دهد. یکی از جنبه های زیبایی غزل فیضی، تصاویر خیال انگیز اوست. ذهن خلاق وی تخیل را با هنرنمایی کلامی درهم آمیخته و سخنش را در قالب عناصر تصویر آفرینی چون تشبیه و... بیان می کند (رسالت پناهی، ۱۳۹۷: ۶). «ناز و نیاز» نیز منظومه ای است سرشار از آموزه های تعلیمی و حکمی که شاعر با توجه

به زمینه انفعالی و ذوقی و با استفاده از شگردهایی مانند ترغیب، انذار، استدلال و... به کار برده است. این دو نوع بیانگر حسن توجه شاعر در استوار کردن کلام بر پایه منطق عقلی و هنری است (یلمه‌ها: ۱۳۹۶: ۵).

درباره منظومه فیروز و نسیرین گفته می‌شود از نظر بررسی سبکی، شاعر مسلط بر دایره واژگانی است و به شیوه دوره بازگشت ادبی، تحت تأثیر سبک‌های خراسانی و عراقی است. تصویرسازی‌های گاه بدیع و بکر، مضمون‌آفرینی، کاربرد آرایه‌های بدیع و صورخیال نشانگر آن است که با فنون بلاغی کاملاً آشناست و آشنایی با سبک عراقی و خراسانی داشته است (یلمه‌ها: ۱۳۹۳: ۱۸). درباره منظومه «سلیم و سلمی» باید گفت: برای بررسی خاستگاه تصویرپردازی در این منظومه مفتون دنبلی به منظر هماهنگی بین تصاویر شعری که به صورت عینی و ذهنی می‌باشد پرداخته است که در نهایت بسامد اندیشه‌ی مخیل شاعر در گذر شعر بیان می‌شود. به کار بردن تصاویر عینی و بیان احوالات شاعر به قدری موشکافانه است که در جای جای اشعارش نمایان است (یلمه‌ها: ۱۳۹۵: ۲۰). با این تفاسیر، چهار منظومه یاد شده از نظر صورخیال از برجسته‌ترین آثار در حوزه ادب فارسی هستند.

### ۳. خمسه شاه طهماسبی

این کتاب یکی از آثار ارزشمندی است که در دوره صفوی توسط هنرمندان این دوره خلق شده است. این اثر به دستور شاه طهماسب و در فاصله سال‌های ۹۵۰-۹۴۶ ق. م‌صور شده است. کتاب خمسه شاه طهماسبی به دست محمود نیشابوری کتابت شد. خمسه شاه طهماسبی دارای هفده نگاره است و در حال حاضر در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود. نگاره‌های موجود در این اثر از هماهنگی سبکی و انسجام برخوردار هستند که نشان‌دهنده اوج نگارگری در این دوره است. در تمامی مینیاتورهای این اثر جوی از اندوه پنهان است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۱۱). شاعران ایرانی از سده دوازدهم میلادی با الهام گرفتن از صورخیال می‌سرودند و نگارگران ایرانی از اواخر سده سیزدهم تا دوره معاصر آثاری خلق کرده‌اند که در آن روح شعر و شاعری دیده می‌شود. در دوره صفوی به علت ثبات سیاسی و اقتصادی و علاقه شاهان صفوی وضعیت هنر رونق زیادی یافت. سفارش نسخه‌های نفیس از اشعار کلاسیک در این دوره توسط درباریان رواج یافت و منجر به خلق آثاری شد که آمیزه‌ای از ادب و هنر بودند (سیمپسون، ۱۳۸۰: ۱۳). یکی از آثار ادبی که در این دوره نسخه‌برداری گردید خمسه نظامی بود. ویژگی‌های منحصر به فرد این اثر نظامی یعنی فضا سازی سبب گردید تا اشعار او تبدیل به یکی از مدل‌های نگارگری در این دوره گردد.

این اثر در دوره‌های مختلف نگارگری ایران به سفارش شاهان و تحت حمایت آنان م‌صورسازی شده است اما از میان آن‌ها نسخه‌های متعلق به دوره صفویه که برای شاه طهماسب م‌صور شده است از ارزشمندترین این نسخه‌ها است و از نظر جلوه کامل هنر کتاب‌آرایی درخور توجه است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۸). این ویژگی سبب شده است تا این اثر از نظر سبک خاص هنری همچنان دارای ارزش و اعتبار باشد.

بررسی و واکاوی چگونگی خلق این اثر نشان می‌دهد یکی از این افراد هنرمندی چون جلال‌الدین میرالحسینی اصفهانی مشهور به آقا میرک بود که در تبریز در دربار شاه طهماسب اول مقام والایی داشت. او با همکاری هنرمندانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی این دوره در کتابخانه شاه طهماسبی این اثر بزرگ را خلق کردند (کریم‌زاده تبریزی،

۱۳۷۶: ۱۳۲) البته به غیر از افراد نام برده شده، هنرمندانی دیگر چون میرزا علی تبریزی، میر سیدعلی، مظفر علی نیز در خلق نگاره های خمسه شاه طهماسبی نقش داشتند (شایسته فر، ۱۳۸۶: ۱۱). به نظر می رسد مجموعه عواملی چون حمایت شاهان صفوی و مهارت این هنرمندان منجر به خلق اثری ارزشمند چون خمسه شاه طهماسبی گردیده است. منظومه های مصور خمسه نظامی پس از شاهنامه فردوسی در جایگاه دوم کتاب های مصورسازی شده قرار دارند؛ زیرا نظامی از زبان شعری بهره می گیرد که سرشار از تصاویر تجسمی است. در نگاره های خمسه شاه طهماسبی، جهان خیالی متأثر از پنج منظومه ی عاشقانه و تغزلی نظامی با رنگ های نه چندان درخشان دیده می شود. در بسیاری از نگاه های این نسخه نبوغ و خلاقیت هنرمند به صورت آشکاری چشم نوازی می کند. صخره های رنگارنگ و پیکره های انسان و سایر موجودات پنهان در صخره ها از ویژگی های منحصر به فرد نگاره های سلطان محمد است. نبوغ سلطان محمد در تبدیل ظریف شعری به تصویر در نگاره اندام شستن شیرین در چشمه سار بسیار ستودنی است. دیگر هنرمندان خالق این نگاره ها نیز مهارتی وافر در به تصویر کشیدن زندگی رومزه خلق و دربار دارند. نگاره های موجود در این اثر با شیوه خاصی به طبیعت و انسان پرداخته اند (حاجی نژاد، ۱۳۹۶: ۱).

#### ۴. تصویرسازی منظومه های غنایی و تطبیق آن با نگاره های خمسه شاه طهماسبی

##### ۱.۴. تشبیه

تشبیه یکی از ارکات تصویرسازی است. بررسی گونه های بلاغت در این چهار منظومه نشان می دهد انواعی از آن در این منظومه ها دیده می شود. یکی از نمونه ها، تشبیه بر بنیاد و سوی است. شبیه از دید عقلی یا حسی بودن دو سوی آن، مانند و مانسته، گونه هایی می تواند داشت. یکی از انواع تشبیه حسی است و حسی به هر آنچه که با یکی از حس های پنجگانه دریافته شود گفته می شود. یکی از گونه های حسی، خیالی است. نوع دیگر تشبیه عقلی است و عقلی به هر آنچه که یک باره به حس، یافته نمی شود عقلی گفته می شود؛ نیز اگر پنداشته از پاره هایی ساخته شده باشد، بدان سان که نه هیچ یک از آن پاره ها به تنهایی، نه پیوسته با یکدیگر به حس دریافته نباشند، تشبیه همچنان عقلی است (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۳-۴۴).

نل و دمن: هر موی چو رشته فسونی زنجیر به گردن جنونی (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

ناز و نیاز: اگر چه ناز بود از روی افسوس نهران در پرده همچون شمع فانوس (وحید قزوینی، ۴۳)

فیروز و نسرین: پریشان طره اش بر روی چون گل چو بر گل از صبا افتاده سنبل (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۵)

سلیم و سلمی: چون دید سلیم، روی سلمی شده تافته همچو موی سلمی (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۶)

در هر چهار منظومه غنایی، تشبیه به اعتبار حسی به حسی مشهود می باشد. به نوعی هر کدام از شاعران برای بیان حال معشوق و یا توصیف عاشق و معشوق از این نوع تشبیه استفاده نموده اند تا بهتر حال و هوای داستان را به خواننده انتقال دهند. عموم صاحب نظران قدیم و جدید بر این باور می باشند که خیال و تصویر از عناصر اساسی در کلام شاعر است که به عنوان ماده خام باعث بوجود آمدن خیال و خلق تصویر می شود (داد، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

نوع دیگر تشبیه، تشبیه بر بنیاد مانروی است؛ مانروی جان تشبیه است. آفرینش هنری در تشبیه باز بسته به مانروی است. پندار شاعرانه در مانروی آشکار می‌گردد. اگر مانروی پنداری نو آیین و شگفت و پرورده باشد، تشبیه ارزش هنری بسیار خواهد داشت؛ وارونه آن، اگر مانروی فرسوده و بی‌فروغ باشد، تشبیه ارزش زیباشناختی ندارد. مانروی است که سرنوشت تشبیه را از دید هنری رقم می‌زند. برای گشودن راز تشبیه می‌باید مانروی آن را بازیافت و باز نمود. مانروی بر دو گونه‌ی راستین و حقیقی و پندارین و تخیلی می‌باشد (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۷)

**ناز و نیاز :** من آن پروانه مستم که چون شمع بود از سوختن دائم سکونم (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

**نل و دمن :** درمانده به خود چو نقش دیوار حیران پرستش پرستار (وحید قزوینی، ۳۸)

**فیروز و نسرین :** به عارض هر یکی چون باغ لاله سیه خالش بر آن شد چون داغ لاله (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۸)

**سلیم و سلمی :** چون دید که ماه مهر پرور پدیدده چو موی خویش لاغر (مفتون دنلی، ۱۳۸۸: ۶۶)

پروانه مست به نوعی مانروی پندارین است. داغ لاله و ماه مهر پرور، مانرویی است که در دو سوی تشبیه، یا در یک سوی پندارین باشد. پیوندی که در دو سوی تشبیه است، نهفته نباشد و تنها از پندار سخنور برآمده و مایه گرفته باشد. گاهی به راستی و درستی در دو سوی تشبیه یافته آید و یا پیوندی که در دو سوی تشبیه را به هم می‌پیوندد و نهفته باشد و هم در مانسته به نوعی راستین و حقیقی است (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۶-۴۷)، به نوعی در هر چهار منظومه بیشترین بسامد کاربرد مانروی پندارین است.

نوع دیگر تشبیه، تشبیه رنگ باخته و بی‌فروغ است. مانروی در آن آشکار و شناخته باشد؛ و ذهن بی‌هیچ تلاشی به آسانی و یکباره بدان را برد. ناگفته پیداست که به این‌گونه از تشبیه ارزش زیباشناختی چندانی نمی‌توان داشت زیرا پیام هنری در آن نارساست. خواننده یا شنونده را بی‌درنگ و شگفتی بر نمی‌انگیزد و در دیار او جای نمی‌گیرد. هر تشبیه رنگ باخته و بی‌فروغی، روزگاری در شمار تشبیه‌های نغز و هنری بوده است (کزازی، ۱۳۶۸: ۶۰)

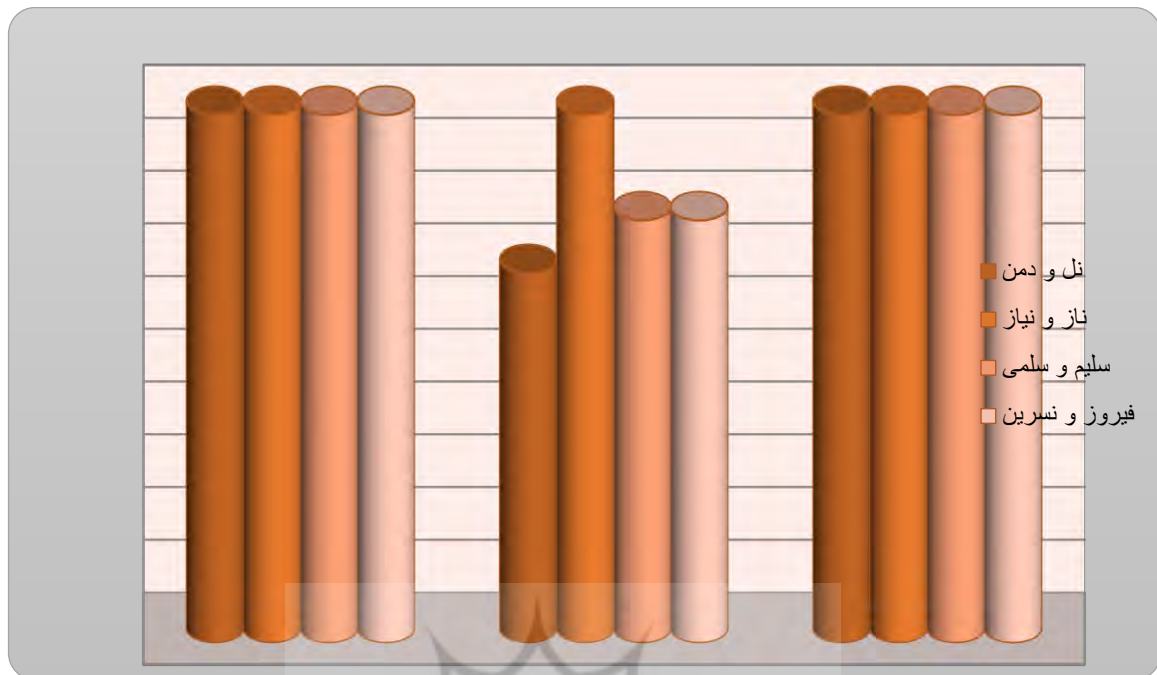
**نل و دمن :** رخشنده شبی چو روز روشن زو تازه فکن چو سبز گلشن (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۷۹)

**ناز و نیاز :** چو دندان هر یکی چون دشنه تیز دهن زان دره ای از برف لبریز (وحید قزوینی، ۲۲)

**فیروز و نسرین:** دل آرا قامتی چون سرو آزاد چو سروش عبده بنوشته شمشاد (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۵)

**سلیم و سلمی :** چون دید سلیم، روی سلمی شد تافته همچو موی سلمی (مفتون دنلی، ۱۳۸۸: ۵۶)

در منظومه‌های غنایی نام برده شده شاعر سعی کرده تمامی ارکان تشبیه را بیان کند و لحظه لحظه آشکار بوده و روشنایی مطالب را در اشعار خود به نمایش بگذارد. شاعر در لفافه سخن نمی‌گوید. در این نوع تشبیهات چون ترفند شاعرانه به کار نیاید، در این هنگام، پیوند درمیانه دو سوی تشبیه، پیوندی است نیک آشنا و سخنی که در تشبیه از این پیوند می‌رود کمابیش به سخنانی می‌ماند که بارها شنیده شده‌اند؛ سخنانی که شنونده را در خود نمی‌کشد و به خبرهایی می‌مانند که هر روز می‌شنویم (کزازی، ۱۳۶۸: ۶۱-۶۰). در ادامه در نمودار شماره (۱) چگونگی تشبیه در این چهار منظومه غنایی مقایسه شده است.



نمودار ۱: گونه‌های بلاغتی تشبیه در چهار منظومه «دل و دمن» و «نیاز و نیاز» و «فیروز و نسیرین» و «سلیم و سلمی». (منبع: نگارندگان).

## ۴.۲.۲. صورت خیال «تصویرسازی»

بررسی‌ها درباره کاربرد صورت خیال در منظومه‌های چهارگانه بالا نشان می‌دهد که مضامین متعددی در این منظومه‌ها مطرح شده است. یکی از این مضامین، مضمون هجران است. که در ادامه بحث مواردی از این تصویرسازی در منظومه‌های بالا آورده شده است:

**دل و دمن:** هر گریه که کرد موج خون ریخت / هر دم که زد آتشی برون ریخت (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۸۸)

**نیاز و نیاز:** غبار غم به عالم زو فشاند / گلیم چرخ را گفتمی تکاندند (وحید قزوینی، ۴۱)

**فیروز و نسیرین:** نخستین روز چون خوردم از این جا / مفروشستم دل و دست خود از کام (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

**سلیم و سلمی:** افسوس که از فراق دلدار / شد چون شب تیره روز من تار (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۶۰)

دوری و رنج در هر چهار منظومه مشهود می‌باشد. فراز و فرود رسیدن به معشوق، شرم از بازگویی این درد جان سوز، در منظومه «نیاز و نیاز» و «سلیم و سلمی» بیشتر قابل مشاهده است ولی در منظومه «دل و دمن» هجران وجود دارد اما سوز و گداز با افسانه و باورهای هندی یکی است که تضاد را نسبت به سه منظومه دیگر نشان می‌دهد. در خمسه شاه طهماسب نیز این مضمون مورد توجه نگارگران است. در تصویر شماره (۱) که نگاره مربوط به مجنون است. به خوبی به مسئله درد و رنج معشوق و یا به تعبیر دیگر به تحقیر شدن معشوق به خوبی اشاره شده است.





تصویر ۱: نگاره مجنون در حالی زنجیر در گردن به خیمه لیلی کشانده می‌شود. مکتب تبریز، قرن دهم هجری. خمسه شاه طهماسبی، منبع (ولش، ۱۳۸۴: ۸۲).

مضمون ارتباط و اطلاع‌رسانی نیز از نکاتی است که در تصویرسازی منظومه‌های غنایی دیده می‌شود.

**نل و دمن:** درمانده به خود چو نقش دیوار حیران پرستش پرستار (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

**ناز و نیاز:** کنیزان وقت صبح از خواب جستند پس خدمت، میان را تنگ بستند (وحید قزوینی، ۱۰۳)

**فیروز و نسرین:** ندیمان بزم عشت ساز کردند در عشرت به رویش باز کردند (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۸۸)

**سلیم و سلمی:** چون شاخ سمن کنیز کی دید در حسن فزون ز ماه و خورشید (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۵)

در چهار منظومه به نوعی اطلاع‌رسانی از طریق نامه و یا از طریق کنیزان مخصوص صورت می‌گیرد. پرستاران شخصی این اطلاع‌رسانی رایج بین عاشق و معشوق را انجام می‌دهند که گاهی ممکن است در این بین فاصله بیفتد. فرقی که بین منظومه‌ها وجود دارد، «نل و دمن» بیشترین نامه‌نگاری را دارا می‌باشد. پیک در منظومه‌های «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرین» کنیزان و شاهزادگان هستند. در منظومه «نل و دمن» از پرندگان و کنیزان استفاده شده است. اما در «سلیم و سلمی» به خاطر کنیز بودن سلمی دیگر اطلاع‌رسانی همانند سه منظومه دیگر صورت نمی‌گیرد؛ ناخواسته دل سلیم را هر جا که سلمی باشد می‌کشاند. در تصویر شماره (۲) که نگاره مربوط به دربار خسرو پرویز است. گروه‌هایی از شخصیت‌ها و افراد ترسیم شده اند که در حال ارتباط و مکالمه با یکدیگر هستند.



تصویر ۲: نگاره ساز نواختن بارید در حضور خسرو، میرزاعلی، خمسه شاه طهماسبی (۹۴۶-۹۵۰ق) (منبع: رجبی، ۱۳۸۴: ۵۸).

در نگاره بالا، نگارگر از عناصر طبیعت چون درخت و بوته نیز به خوبی برای تصویرگری بهره جسته است. مضامین مربوط به چهره یار از دیگر مضامین و تصویرسازی های موجود در این چهار منظومه است که در ادامه بحث به مواردی از آن اشاره می شود.

**نل و دمن:** گلچهره سمن بری دمن نام از موی فکنده برچمن دام (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

**ناز و نیاز:** جهان گشته ابروی او بود دلی مجروح از هر موی او بود (وحید قزوینی، ۳۴)

**فیروز و نسرین:** پریشان شد چو زلف خویش کارش پریشان تر ز کارش، روزگارش (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۸۴)

**سلیم و سلمی:** چون دید سلیم روی سلمی شد تافته همچو موی سلمی (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۶)

زلف معشوق در تمامی منظومه ها همانند کمندی است که عاشق را اسیر خود می کند و یا همانند زنجیری که پای عاشق را می بندد. گاهی پریشانی حال عاشق همانند پریشانی زلف معشوق می باشد. این حالات در هر چهار منظومه مشهود است.

از دیگر ویژگی های این منظومه ها در تصویرسازی استفاده از افلاک است که در ادامه به مواردی از آن اشاره می گردد.

**نل و دمن:** هر صبح که از سخن شدم مست در دامن آسمان زدم دست (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۲۲۷)

**ناز و نیاز:** فلک دل خون از آن خونین جگر بود جهان از گریه او در خطر بود (وحید قزوینی، ۴۴)

**فیروز و نسرین:** شده از هجر خورشید جمالش رخ چون بدر، اکنون چون هلالش (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۹۹)

**سلیم و سلمی:** چون دید که ماه مهر پرور گردیده چو موی خویش، لاغر (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۶۶)

بنابراین دیده می‌بینیم که کاربرد اسامی افلاک مانند: ماه، خورشید، خاک، باد و آتش در همه منظومه‌ها قابل مشاهده است. گاهی لازم است از معشوق صحبت کند او را همانند ماه شب چهارده زیبا ترسیم می‌کند و یا همانند خورشید تابان که به زندگی عاشق نور و روشنایی می‌بخشد. اگر قرار است از عاشق صحبت شود آن را خاکی و زمینی می‌داند و یا همانند آتش سوزان در فراق یار. به نوعی عاشق زمینی (خاکی و آتشین) و معشوق آسمانی (ماه و خورشید) است و عنصر باد به عنوان پیام‌رسان بین این دو ایفای نقش می‌کند. در خمسه شاه طهماسبی نیز در نگاره‌ها هنرمندان کوشیده‌اند تا در تصویرپردازی‌های خود از اجرام آسمانی استفاده کنند. همان‌گونه که در تصویر شماره (۲) دیده می‌شود خورشید تبدیل به یکی از محوری‌ترین اجزاء در ترسیم این نگاره شده است.



تصویر ۳: نگاره پیرزن و سنجر، دوره صفویه، مکتب تبریز، قرن دهم هجری (منبع: کنبای، ۱۳۸۱: ۸۰).

درباره جایگاه معشوق در تصویرسازی منظومه‌های غنایی باید گفت در این منظومه‌های چهارگانه مضمون معشوق یکی از محوری‌ترین مضامین است.

**نل و دمن:** جادو صنمی صنم فریبی نگذاشته در جهان شکیبی (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

**ناز و نیاز:** چو حوران بهشتی، عشوه پرداز ز سر تا پای ناز و نام او ناز (وحید قزوینی، ۳۲)

**فیروز و نسرین:** به گردش هر طرف زیبا غلامان صف اندر صف چو طاووس خرامان (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۵)

**سلیم و سلمی:** چون شاخ سمن کنیز کی دید در حسن فزون ز ماه و خورشید (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۵)

در سه منظومه «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرین» و «نل و دمن» جایگاه اجتماعی معشوق از یک طبقه می باشد و قابل ستودن است. به نوعی ناز کردن و اخلاق و رفتار شاهزادگان را می توان لحظه به لحظه به خوانندگان نشان بدهد. پارادکسی که در طبقه اجتماعی منظومه غنایی «سلیم و سلمی» وجود دارد باعث شده است که این منظومه با آنکه معشوق از طبقه پایین جامعه می باشد (کنیز) اما جذابیت آن همانند سه منظومه یکسان بلکه بالاتر از آنان باشد. گிரایی مطالب و جذابیت آن را بیشتر نشان می دهد و خواننده را با خود به دنبال می کشاند. خواننده می توان جایگاه او (کنیز) را همانند سه منظومه دیگر یکجا بداند.

از مضامین دیگر مؤثر در صور خیال در این منظومه ها، کاربست اسامی افراد در تصویرسازی است که در ادامه به مواردی از آن اشاره شده است:

**نل و دمن:** آمد سوی نل بل به صد تبسم  
خون کرده دل بری و مردم (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۶۵)

**ناز و نیاز:** نیاز از پیش می آمد چو نوروز  
ز دنبالش بهاری عالم افروز (وحید قزوینی، ۱۱۷)

**فیروز و نسرین:** غم نسرینش اندر سینه تنگ  
چنان جا کرد کآتش در دل سنگ (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۸۷)

**سلیم و سلمی:** چون دید سلیم روی سلمی  
شده تافته همچون موی سلمی (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۶)

کاربرد اسامی ایران باستان در سه منظومه «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرین» و «سلیم و سلمی» یکسان می باشد اما زیبایی کاربرد صور خیال و یا اینکه شاعر منظور دیگری دارد در «ناز و نیاز» بیشتر می باشد به عنوان مثال «نیاز» در اصل نیاز درون آدمی به همدم و رسیدن به «ناز» می باشد به نوعی کشش بین این دو را نشان می دهد. اما اسامی «نل و دمن» مربوط به هند باستان می باشد و جدای از اسامی ایرانی است و دیدگاه خواننده را تغییر می دهد.

عناصر طبیعت از دیگر مضامینی است که در این منظومه ها در راستای در تصویرسازی استفاده شده است و در ادامه مواردی از آن آمده است:

**نل و دمن:** رخ لاله و مانده از خوی شرم  
لب آبله کرده از دم گرم (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۲۶)

**ناز و نیاز:** چو کوه از سنگ طفلان در حصارم  
چو صحرا دامنی پر خار دارم (وحید قزوینی، ۶۹)

**فیروز و نسرین:** من بوته خارم و تو آذر  
من پشت پر م، تو باد صرصر (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۶۸)

**سلیم و سلمی:** برداشت ز رو به شهر بغداد  
آشفته چو باد، روی بنهاد (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۹)

در چهار منظومه غنایی نامبرده شده از عناصر گل و انواع آن نام برده شده است و زیبایی معشوق را به هر کدام از بخش های گل تشبیه شده است. زیبایی صور خیال در این چهار منظومه شاید بنا بر مقتضیات آن دوران از گل و درخت برای راست قامتی کاربرد بسیاری دارد اما فراق و دوری از معشوق را همانند داغ که در دل لاله وجود دارد دانسته اند و این مسأله در هر چهار منظومه نشان داده شده است. اگر از کوه استفاده می کند بیشتر غم و هجران دوری معشوق همانند سنگینی کوه است.



تصویر ۳: نگاره بازشناسی نوشابه، اسکندر را از تصورش، میرزاعلی، خمسه شاه طهماسبی (منبع: رجبی، ۱۳۸۴: ۵۸)

جغرافیای مکانی در تصویرسازی‌های موجود در منظومه‌های غنایی بالا کاربرد دارد که در ادامه بحث به مواردی از آن اشاره شده است.

**نل و دمن:** صبحی ز غم زمانه دلتنگ از خانه به باغ کرد آهنگ (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

**ناز و نیاز:** کنیزان وقت صبح از خواب جستند پس خدمت میان را تنگ بستند (وحید قزوینی، ۱۰۳)

**فیروز و نسرين:** به باغ آمد رخی چون گل شکفته به گوشش حرف غم دوران نهفته (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۶)

**سلیم و سلمی:** کشتی به کنار آب راندند آن دلشده را ز شط رهندند (مفتون دنلی، ۱۳۸۸: ۶۴)

جغرافیای دیداری عاشق و معشوق بیشتر در قصر، شکار، گشت و گذار و باغ و بوستان و به نوعی جغرافیای رفاهی و آسایش به دور از دغدغه را نشان می‌دهد. البته این مسأله در سه منظومه «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرين» و «نل و دمن» خود را نشان می‌دهد اما جغرافیای دیدار «سلیم و سلمی» زیباترین صور خیال را دارد: در سفر، کشتی، دریا، به نوعی این افتان و خیزان کلام شاعر، خواننده را با خود می‌کشاند و باعث زیبایی داستان می‌گردد. البته در «نل و دمن» به نوعی در دو حالت مکانی درون و بیرون قصر صورت گرفته است، در حالی که در سلیم و سلمی در بدری و آوارگی بیشتر نمایان است. البته هر چهار منظومه از نظر تاریخی در یک زمان صورت است و دیدگاه‌ها یکی است، فقط در منظومه «نل و دمن» زمان را به باورها و اعتقادات قدیم هند بر می‌گرداند.

گفتار و مکاتبه عاشق و معشوق در تصویرسازی منظومه های غنایی یاد شده به وفور دیده می شود که در ادامه مواردی ذکر می گردد. در نگاره شماره (۱) که به رابطه عاشق و معشوق اشاره شده است و تأییدی بر حضور پررنگ این مضمون در نگاره های خمسه شاه طهماسبی است.

**نل و دمن:** شیرین نمکی تکلم او      شیرین تر از آن تبسم او (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

**ناز و نیاز:** نمودم رام خویش آهوی چشمت      نباشد کمتر از مجنون جنونم (وحید قزوینی، ۳۸)

**فیروز و نسرین:** نه از یارم خبر باشد نه از خویش      نه از مرهم خبر دارم نه از ریش (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۸)

**سلیم و سلمی:** ای مرهم زخم سینه من      ای دلبر بی قرینه من (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۶۶)

گفتار و مکاتبه به صورت افتان و خیزان در چهار منظومه یکسان می باشد، به نوعی بیان هجران و بی تابی در معشوق یکسان است اما حقیر کردن عاشق در هر چهار منظومه قابل مشهود است. عاشق خود را آنچنان پایین می آورد از جایگاه و مقام خود که به نوعی خود را لایق معشوق نمی داند؛ البته این مسأله در سه منظومه «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرین» و «نل و دمن» به طور یکسان دیده می شود با آنکه در منظومه «سلیم و سلمی» عاشق خود را پایین می آورد چون در مقابل خود معشوق (کنیز) بوده زیبایی داستان نسبت به آن سه منظومه بیشتر و جذاب تر می کند. کنیز را بالا می برد و خود را لایق آن نمی داند و این مسأله جذابیت داستان را بیشتر می کند. از دیگر ویژگی های منظومه های چهارگانه این است که از سنگ های قیمتی در تصویرسازی استفاده کرده اند که به مواردی از آن اشاره می گردد.

**نل و دمن:** وز گوهر مه زمین منور      وز نافه شب هوا معطر (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۱۷۹)

**ناز و نیاز:** لبی چون دانه یاقوت رنگین      در دندان به رنگ نظم سیمین (وحید قزوینی، ۳۳)

**فیروز و نسرین:** دهان پر لولوش درجی ز یاقوت      که دل را قوت آمد روح را قوت (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۷)

**سلیم و سلمی:** هر لحظه ز خنده دلایر      لعل لب او شده شکرریز (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۵)

بیشترین استفاده از سنگ قیمتی «لعل» می باشد که به عنوان جواهری گرانبها است و سرخی لعل همانند سرخی لبان معشوق می دانند. در تمامی منظومه های غنایی «نل و دمن» و «فیروز و نسرین» و «ناز و نیاز» و «سلیم و سلمی» نشان داده می شود و کاربردی یکسان دارد. آنچه از منظومه ها دریافت می شود این است که سنگ لعل خیلی گرانبها و ارزشمند است. البته در چند جا از یاقوت رنگین بعنوان لبان معشوق در منظومه «ناز و نیاز» استفاده شده است.

داستان های بزرگان و انبیا نیز سهمی در در تصویرسازی منظومه های غنایی چهارگانه داشته اند.

**نل و دمن:** این زهره ز آسمان تقدیس      پیچیده به طیلستان برجیس (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۸۴۵)

**ناز و نیاز:** منور شب ز رویش گشته چون طور      به رنگ مهر گرد راه او نور (وحید قزوینی، ۳۴)

**فیروز و نسرین:** به لعلش معجزه عیسی نهفته      ز رویش آتش موسی شکفته (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۸)

**سلیم و سلمی:** چون یوسف مصری او به بازار      در پیش جهان، جهان خریدار (مفتون دنبلی، ۱۳۸۸: ۵۶)

استفاده از کوه طور در منظومه «ناز و نیاز» که دیدار اگر صورت بگیرد، شب تار او همانند کوه طور نورانی خواهد شد. در منظومه «سلیم و سلمی» وجود سلمی که چون کنیزی در بازار برده فروشان با رخساری زیبا همانند یوسف مصری می‌باشد. به نوعی در دو منظومه «ناز و نیاز» و «سلیم و سلمی» استفاده از داستان‌های تاریخی بیشتر مشهود است تا در منظومه‌های «فیروز و نسرين» و «نل و دمن». تضادی که از این زاویه در «نل و دمن» وجود دارد بخاطر باورهای هندی که در داستان مشهود است و افسانه‌های کهن و این که در «فیروز و نسرين» حزن و اندوه نمایان‌تر است. مضمون وصال نیز از مهم‌ترین مضامین در تصویرسازی منظومه‌های غنایی است که در ادامه به مواردی از آن اشاره شده است:

**نل و دمن:** اقبال گشود رو به رویم کافتاد ترا گذر به سویم (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۸۶)

**ناز و نیاز:** جهان گشته ابروی او بود دلی مجروح از هر موی او بود (وحید قزوینی، ۳۴)

**فیروز و نسرين:** نباشد گر به پیشین نغمه، موزون نگیری نکته کآن دل نیست اکنون (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۷۳)

**سلیم و سلمی:** با عیش و نشاط و کامرانی عمری کردند زندگانی (مفتون دنلی، ۱۳۸۸: ۷۶)

در تمامی منظومه‌های غنایی وصال صورت می‌گیرد. در این چهار منظومه پس از فراز و فرودهای بسیار و افتان و خیزان بودن ماجراها، در سه منظومه «ناز و نیاز» و «سلیم و سلمی» و «نل و دمن» وصال رسیدن به معشوق سرانجامی دارد اما در منظومه «فیروز و نسرين» بنا بر اینکه شاعر خود در فراق و هجران فرزند و داغ از دست دادن او منظومه را نیمه رها می‌کند و خواننده می‌ماند که آیا وصال این دو صورت گرفته است یا خیر؟ اسامی حیوانات نیز در تصویرسازی منظومه‌های غنایی دیده می‌شود که در ادامه بحث به مواردی از آن اشاره شده است.

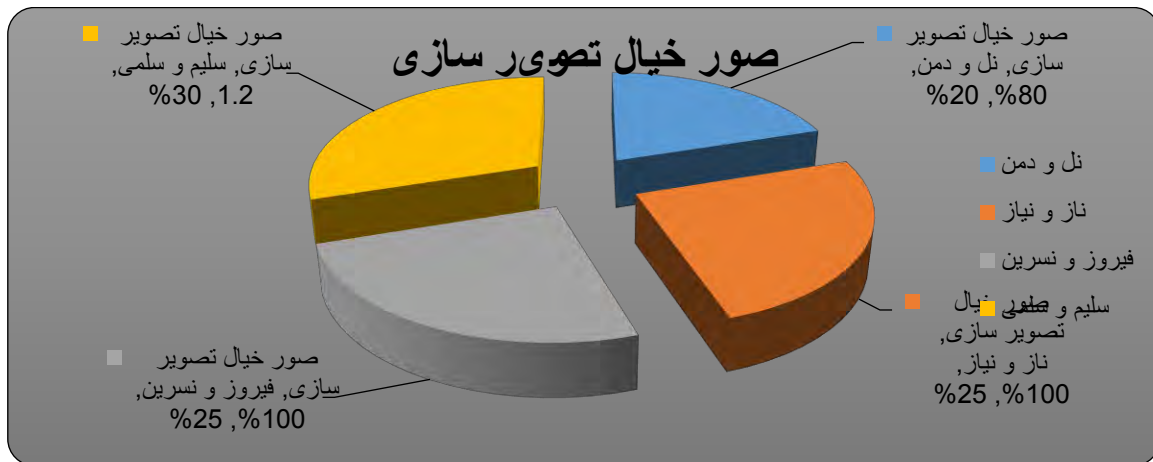
**ناز و نیاز:** نمودم رام خویش آهوی چشمت نباشد کمتر از مجنون جنونم (وحید قزوینی، ۳۸)

**نل و دمن:** ناگه بنمودش از کرانه ماری سیه، آتشین زبانه (فیضی دکنی، ۱۳۸۲: ۲۰۹)

**فیروز و نسرين:** به خوبی جمله را چون ماه رخسار همه آهو نگاه و کبک رفتار (نیاز شیرازی، ۱۳۹۵: ۷۸)

**سلیم و سلمی:** گفت ای بت ناز پروریده آهوی شکنج دام دیده (مفتون دنلی، ۱۳۸۸: ۶۶)

کاربرد واژگان طاووس، بلبل، عندلیب، مرغ، کبک، پروانه، آهو در سه منظومه غنایی «فیروز و نسرين» و «ناز و نیاز» و «سلیم و سلمی» تقریباً به یک صورت به کار رفته است. کاربرد طاووس، خرامان راه رفتن کبک در وصف معشوق به کار رفته است. بی‌قراری معشوق همانند بلبل و مرغ بسمل می‌باشد و یا چون پروانه‌ای از فراق معشوق و در عشق می‌سوزد. برخلاف منظومه غنایی «نل و دمن» از مرغ فقط به‌عنوان پرنده‌ای نام‌رسان نام می‌برد و از مار به‌عنوان تغییر مسیر داستان استفاده می‌نماید. به نوعی سه منظومه جنبه مثبت از کاربرد حیوانات را بکار می‌برند اما در منظومه «نل و دمن» از زاویه منفی به موجودات نگاه می‌کند. در چهار منظومه غنایی «آهو» به عنوان زیبایی چشم معشوق نام برده شده است.



نمودار ۲: صور خیال در چهار منظومه «نل و دمن» و «ناز و نیاز» و «فیروز و نسرین» و «سلیم و سلمی» (منبع: نگارندگان)

### نتیجه گیری

منظومه های غنایی مرور شده از برجسته ترین منظومه های سبک هندی به شمار می آیند. این منظومه ها کم و بیش با مسامحه در یک عصر ادبی گنجانده می شوند، می توان رد پای تصویرسازی و خیال آفرینی و مضمون سازی را در آن ها مشاهده کرد. به طور کلیف عناصر بصری شکل گرفته در این منظومه ها بصورت تصاویر عینی و ذهنی است که بسامد عنصری تصویرسازی در شعر این شاعران نشان از تأثیرپذیری آن ها از این مقوله است. تصویرسازی را می توان جان مایه خیال به شمار آورد. بدون حضور تصویر در شعر، یک پای خیال می لنگد و ارتباط دو سویه بین شاعر و مخاطب از رشد طبیعی می افتد. به یاری همین بن مایه های بصری است که شعر سبک هندی به تجلی تازه ای از تعریف خویش دست پیدا می کند. تصویرسازی یا صورخیال در منظومه های «نل و دمن» و «ناز و نیاز» و «سلیم و سلمی» و «فیروز و نسرین» کاربرد بسزایی داشته است. و درون مایه ای اشعار غنایی این چهار منظومه، افکار و خیالات شاعر را به زیباترین شکل نشان می دهد. این تصویرسازی بازتاب احساسات و عواطف شاعران است که به مفاهیم اشعار غنایی تجسم عینی بخشیده و در قالب مثنوی به نمایش گذاشته شده است. در هر چهار منظومه با مضامین گرایش به قصه گوئی و داستان پردازی و مکاتب ادبی به خوبی نشان داده شده است. در این چهار منظومه تصویرسازی و صورخیال کاربرد بیشتری داشته البته با به کارگیری صنعت بلاغی نشان داده شده است زیرا زیرساخت تمام این تصویرسازی به کارگیری گونه های تشبیه می باشد. پس بنا بر اهداف تحقیق به نوعی گونه های بلاغی به صورت مستقل به کار نرفته است، بلکه در زیبایی صورخیال به طرز زیبایی بیان گردیده است. سبک و نوآوری تصویرسازی در تمامی منظومه ها تقریباً به صورت یکسانی است اما سبک تصویرسازی داستان «نل و دمن» در بین راه تغییر کرده است. بیشترین ملاک به کار رفته در صورخیال و تصویرسازی این چند منظومه بر محور هجران، ارتباط و اطلاع رسانی طبقه اجتماعی، جایگاه معشوق، گفتار و مکالمه، وصال، افلاک و عناصر طبیعی... می باشد. در منظومه «فیروز و نسرین» نیاز شیرازی با بهره گیری از اقسام صور خیال و سازه های بصری، سعی در گره زدن هوش و ذهن مخاطب به شعر خویش را دارد. هر چند نسبت به شاعران دیگر متأخرتر است و مربوط به قرن دوازدهم هجری است اما به همان میزان از بستگی به شعر کهن دور



است هر چند می‌توان نشانه‌های سبک شناسانه بصری را در بسامد شعرهایش در خور توجه دانست. اما در نهایت به نظر می‌رسد جایگاه و پایگاه شعری او نسبت به هم عصرانش در مرتبه‌ی فروتری قرار دارد. گاهی با استفاده از سازه‌های بصری بارقه‌هایی از نبوغ را می‌توان در اشعارش مشاهده نمود. فیضی دکنی «نل و دمن» را استادانه با به‌کارگیری عناصر خیال در انواعش گوی سخن را از حریفان میرباید و گاه به سند اشعارش تصویر را به چهارچوب روایت‌ها و رخدادها نیز می‌کشاند؛ چرا که وی در به‌کارگیری فنون و صور خیال مهارتی وافر دارد. بررسی نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی نیز در داشتن مفاهیمی چون هجران، معشوق، وصال و عناصر طبیعی دارای وجوه اشتراک با این چهار منظومه غنایی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ:

### کتابها:

- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۳). فن بیان در آفرینش خیال. تهران: امیرکبیر.
- داد، سیما. (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). یکصد منظومه عاشقانه فارسی، تهران: چشمه.
- ذاکر حسینی، محسن. (۱۳۸۴). مثنوی نل و دمن. فیضی دکنی، به کوشش سید علی آل داوود، تهران: دانشگاه تهران.
- ژنت، ژوار. (۱۹۳۰). تخیل و بیان: نقد زیباشناسی. ترجمه دکتر الله شکر اللهی تجرق، تهران: نشر سخن.
- سیمپسون، ماریانا شرو. (۱۳۸۰). شعر و نقاشی ایرانی: هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا. مترجم عبدالعلی براتی، فرزاد کانی، تهران: نسیم دانش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). صورخیال در شعر فارسی. چاپ دوازدهم، تهران: آگاه.
- فیضی دکنی، ابوالفیض. (۱۳۸۲). نل و دمن. تصحیح سیدعلی آل داوود، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۶). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران. تهران: مستوفی.
- کری ولش، استوارت. (۱۳۸۴). نسخه نگاره های عهد صفوی. ترجمه احمدرضا تقاء، تهران: فرهنگستان هنر.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۶۸). بیان ۱ زیباشناسی سخن پارسی. تهران: نشر مرکز.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق. (۱۳۸۸). سلیم و سلمی. تصحیح ناصرالدین شاه حسینی نواب شیرازی، تهران: نشر نوید.
- یلمه ها، احمدرضا. (۱۳۹۵). قصر بی قراری (بررسی و تحلیل هشت منظومه غنایی ناشناخته). تهران: شورای گسترش زبان و ادب فارسی.
- یلمه ها، احمدرضا. (۱۳۹۵). منظومه غنایی فیروز و نسیرین. نیاز شیرازی، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.

### مقالات:

- رسالت پناهی، محمد مصطفی؛ روحانی، سیدعلی و راستگو، سیدحسین. (۱۳۹۷). "فیضی و غزل غنایی وی". پژوهشنامه ادبی غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۳۰، صص ۹۰-۷۱.
- حاجی نژاد، سارا. (۱۳۹۶). "تحلیل نگاره های خمسه نظامی طهماسبی در بستر تاریخی- هنری مکتب نگارگری تبریز صفوی". چهارمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون تاریخی.
- شاه حسینی، ناصرالدین؛ فلاح خواه، فرهاد. (۱۳۸۸). "معرفی نسخه خطی سلیم و سلمی از عبدالرزاق بیگ دنبلی". فصلنامه پژوهشی ادبیات فارسی، شماره ۱۴، صص ۹۱-۱۱۴.

- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۶). "جایگاه مضمونی و زیباشناسی شعر در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی". فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۷، صص ۷-۲۲.
- مصطفوی سبزواری، رضا؛ تقیان، عبدعلی. (۱۳۹۰). "ویژگی سبکی نل و دمن". نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار و ادب)، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۲۵.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۳). "بررسی تحلیل عناصر و مؤلفه‌های سبکی در منظومه غنایی فیروز و نسیرین". فصلنامه تخصصی بهار ادب، شماره ۲، صص ۳۱-۵۱.

### References:

- Thorotian, B. (۲۰۰۴). The Art of Expression in the Creation of Imagination. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Dad, S. (۲۰۰۳). Dictionary of Literary Terms. Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Zolfaghari, H. (۲۰۱۳). One Hundred Persian Love Poems. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Zakir Hosseini, M. (۲۰۰۵). Masnavi Nel va Deman, Faizi Dekani. by Seyed Ali Aldavood, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Resalatpanahi, M; Rouhani, A. (1397). "Faizi and his lyric lyric". Lyrical Literary Research Journal of Sistan and Baluchestan University. 30, 90-71. [In Persian]
- Genet, J. (1930). Imagination and Expression: A Critique of Aesthetics. translated by Dr Allah Shokrollahi Tajragh, Tehran: Sokhan Publishing. [In Persian]
- Hajinejad, S. (1396). "Analysis of Khamseh Nezami Tahmasebi's paintings in the historical-artistic context of Tabriz Safavid School of Painting". the fourth national conference on literary textual studies, a new look at historical texts. [In Persian]
- Simpson, M. (2001). Iranian Poetry and Painting: Haft Orang Sultan Ebrahim Mirza. Translated by Abdolali Barati, Farzad Kani, Tehran: Nasim Danesh. [In Persian]
- Shah Hosseini, N. Falahatkah, F. (2009). "Introduction of Salim and Salmi manuscripts by Abdolrazaqibig Denbli". Persian Literature Research Quarterly. 14, 114-91. [In Persian]
- Shayestehfar, M. (2007). "Thematic position and aesthetics of poetry in the paintings of Khamseh Shah Tahmasebi". Quarterly Journal of Islamic Art Studies, 7, 22-7. [In Persian]
- Shafiee Kadkani, M. (2010). Imagination in Persian Poetry. Twelfth Edition, Tehran: Agah. [In Persian]
- Faizi Dekni, A. (2003). Nel va Daman. edited by Seyed Ali Aldoud, Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Fotouhi, M. (2006). Rhetoric of Image. first edition, Tehran: Sokhan. [In Persian]

- Karimzadeh Tabrizi, M. (1997). The Life and Works of Ancient Iranian Painters. Tehran: Mostofi. [In Persian]
- Kerry Welch, S. (2005). Safavid Essays. translated by Ahmad Reza Tagha, Tehran: Academy of Arts. [In Persian]
- Kazazi, M. (1368). Bayan 1 Aesthetics of Persian speech. first edition, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Mostafavi Sabzevari, R; Taghian, A. (2011). "Stylistic Characteristics of Nell and Daman". Journal of Persian Poetry and Poetry (Spring and Literature), 2, 139-125. [In Persian]
- Maftoon Danbali, A. (2009). Salim and Salmi. edited by Naser al-Din Shah Shah Hosseini Nawab Shirazi, A. (1371). Tazkereh Delgsha. edited by Rastegar Fasaei, first edition, Tehran: Nashrvid. [In Persian]
- Yalmeha, A. (2016). Qasr Biqarari (Study and Analysis of Eight Unknown Lyrical Poems). Tehran: Persian Language and Literature Development Council. [In Persian]
- Yalmeha, A. (2016). Firooz and Nasrin's lyric poems. Niaz Shirazi, first edition, Tehran: Farhang Nashr-e No. [In Persian]
- Yalmeha, A. (2014). "A Study of the Analysis of Stylistic Elements and Components in the Lyrical System of Firooz and Nasrin". Bahar Adab Quarterly. 2, 51-31. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی